

## الزامات تقنینی دولت‌ها در پروتکل کارتاهینا و میزان پایبندی دولت جمهوری اسلامی ایران به این الزامات

عباس کاظمی نجف‌آبادی\* - حسن اسکندریان\*\*

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۶)

### چکیده

پروتکل ایمنی زیستی کارتاهینا در سال ۲۰۰۰، در مونترال کانادا به تصویب رسید. این پروتکل یک سند تعهدآور بین‌المللی است که الزامات جدی تقنینی برای دولت‌های عضو به‌میان کشیده است. پس از گذشت یک سال از تصویب پروتکل کارتاهینا، دولت ایران اجازه امضای پروتکل را به سازمان حفاظت محیط زیست اعطا نمود و متعاقباً قانون ایمنی زیستی را در سال ۱۳۸۲ از تصویب مجلس گذراند. مقاله حاضر در مقام پاسخ به این سئوالات است که الزامات تقنینی این پروتکل چیست و اقدامات دولت ایران در راستای انجام این تعهدات چه بوده و چگونه ارزیابی می‌شود. در این مقاله میزان پایبندی دولت ایران به الزامات عمومی و اختصاصی تقنینی پروتکل مطمح نظر قرار گرفته و نگاهی منتقدانه به مواد تصویبی قانون ایمنی زیستی شده است. به نظر می‌رسد الحاق دولت ایران به این پروتکل عجولانه و بدون ارزیابی صحیح از آثار و الزامات این سند بین‌المللی بوده و دولت، در قانون ملی ایمنی زیستی که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، تعهداتی فراتر از پروتکل برای شهروندان خود قائل شده است.

واژگان کلیدی: پروتکل کارتاهینا، الزامات تقنینی عمومی، الزامات تقنینی اختصاصی، قانون ایمنی زیستی.

## ۱. مقدمه

پروتکل ایمنی زیستی کارتاهاینا<sup>۱</sup> در ۲۹ ژانویه سال ۲۰۰۰ میلادی در اولین جلسه فوق العاده متعهدین به کنوانسیون تنوع زیستی<sup>۲</sup> در مونترال کانادا و در جهت تکمیل کنوانسیون تنوع زیستی به تصویب رسید و از تاریخ ۱۵ تا ۲۶ ماه می همان سال، در پنجمین کنفرانس سران کشورهای متعهد به کنوانسیون، در دفتر سازمان ملل متحد در نایروبی و از تاریخ ۵ ژوئن سال ۲۰۰۰ میلادی تا ۴ ژوئن سال ۲۰۰۱ میلادی در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک برای امضا در دسترس کشورها قرار گرفت.

هدف اصلی از تصویب پروتکل، آن چنان که در ماده ۱ پروتکل عنوان گردیده است، کمک و هم یاری جهت تضمین سطح مناسب حفاظت در زمینه انتقال، جابجایی و استفاده ایمن از موجودات زنده تغییر شکل یافته است که حاصل فناوری زیستی جدید هستند و ممکن است با در نظر گرفتن مخاطرات آنها برای سلامت انسان، به ویژه نقل و انتقال برون مرزی، اثرات زیان آوری بر حفظ و استفاده پایدار از تنوع زیستی داشته باشد.

دولت جمهوری اسلامی ایران، یک سال و اندی پس از تصویب پروتکل در کانادا، اجازه امضای پروتکل را به سازمان حفاظت محیط زیست اعطا نمود<sup>۳</sup> و در ۲۳ آوریل سال ۲۰۰۱ میلادی، پروتکل به امضای دولت وقت جمهوری اسلامی ایران رسید.<sup>۴</sup> ایران در نوامبر سال ۲۰۰۳ میلادی مبادرت به تصویب رسمی پروتکل نمود<sup>۵</sup> (RTF) و نهایتاً پروتکل کارتاهاینا، در تاریخ بیست و نهم مرداد ماه سال ۱۳۸۲ رسماً در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید<sup>۶</sup> و در حال حاضر، جزء قوانین داخلی و بالتبع لازم الاجراست.<sup>۷</sup> پروتکل در ۱۸ فوریه سال ۲۰۰۴

1. Cartagena Protocol on Biosafety to the Convention on Biological Diversity. (Published by the Secretariat of the Convention on Biological Diversity, Montreal, Quebec, Canada, 2000).

2. Convention on Biological Diversity (CBD), United Nation 1992. Also: <http://www.cbd.int/convention/text/>.

Date of Reference: 2014/12/07

Title: Convention on Biological Diversity

۳. اجازه امضای موقت پروتکل، طی تصویب نامه شماره ۱۴۹۹ ات ۲۴۴۵۳ ه مورخ ۱۳۸۰/۱/۲۲ به سازمان حفاظت محیط زیست اعطا گردید. در این مصوبه همچنین اعلام گردید سازمان حفاظت محیط زیست مراحل قانونی را تا تصویب پروتکل پیگیری نماید.

4. Date of Signature

5. Date of Ratification

۶. قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به پروتکل ایمنی زیستی، مصوب سال ۱۳۸۲ مجلس شورای اسلامی.

۷. مستند به اصل ۷۷ قانون اساسی، عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد (دولت به تکلیف قانونی خود مبنی بر ارسال پروتکل به مجلس شورای اسلامی عمل نموده و در حال حاضر پروتکل به تصویب مجلس رسیده است).

می‌لادی برای دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الاجرا شد.<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد اگر الحاق دولت ایران به پروتکل ایمنی زیستی را شتاب‌زده عنوان نکنیم و گامی در جهت هم‌سویی با مقررات و تعهدات بین‌المللی تلقی نماییم، به یقین تدوین قانون ملی ایمنی زیستی امری بسیار شتاب‌زده و ناسنجیده بوده است. شواهد و دلایل بسیار زیادی وجود دارد که بتواند ادعای مزبور را ثابت نماید. از جمله این‌که در بند الف ماده ۳ قانون ملی ایمنی زیستی بیان شده است: سیاست‌گذاری، تعیین و تصویب راهبردها در عرصه ایمنی زیستی و نظارت بر اجرای آن، مطابق با مفاد این قانون (قانون ملی ایمنی زیستی) بر عهده شورای ملی ایمنی زیستی است؛ در حالی که شایسته بود قبل از الحاق به پروتکل ایمنی زیستی و تصویب قانون ملی در این زمینه، چنین شورایی با مقرر مجلس شورای اسلامی و یا هیئت دولت تشکیل می‌گردید و سپس این شورا در مقام سیاست‌گذاری، تبیین می‌نمود که الحاق به پروتکل، واجد چه مزایا یا معایبی است و تدوین قانون ملی ایمنی زیستی متعاقب پروتکل، منافع ملی را در پی دارد یا خیر؟ تخلفات پیش‌بینی‌شده و جرم‌انگاری‌هایی که در متن قانون (بدون مبانی کارشناسی دقیق و علمی و بدون وجود شواهد کافی) صورت گرفته است و حاوی ایرادات جدی ماهوی و شکلی است، انعکاس شتاب‌زدگی مقنن در تدوین قانون ایمنی زیستی است.

در پروتکل ایمنی زیستی، تکالیف دولت‌ها و بایدها و نبایدهای مترتب بر دولت‌ها از ابعاد مختلف مشخص شده است. برخی الزامات از حیث فرآیند اجرای تعهدات پروتکل قابل بررسی هستند، برخی الزامات جنبه تقنینی دارند و از سوی دیگر واجد وصف عمومی بوده و دامنه شمول آن به وسعت تمامی اعضا پروتکل است و دولت‌ها را ملزم به قانون‌گذاری و تدوین روش و نحوه برخورد نموده است و برخی وظایف تقنینی دیگر صرفاً اختصاص به اعضای پیدا نموده است که قصد توسعه، جابه‌جایی (انتقال یا صادرات)، حمل و نقل، کاربرد و رهاسازی موجودات زنده تغییر شکل‌یافته را دارند. در این مقاله ما به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که بر اساس پروتکل مذکور چه الزامات تقنینی عام یا اختصاصی نسبت به اعضا مقرر شده است و دولت جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان یکی از اعضای این پروتکل، چه اقداماتی در راستای این وظایف انجام داده است و اقدامات صورت گرفته تا چه حد صحیح و مؤثر به نظر می‌رسد. لذا به تفکیک، تکالیف یا الزامات تقنینی عمومی دولت‌ها و الزامات تقنینی اختصاصی دولت‌ها را از نظر می‌گذرانیم. در خلال بحث، قانون ملی ایمنی زیستی ایران از این دیدگاه که چه اندازه

#### 1. Date of Entry into Force

دولت ایران مبادرت به اجرای تعهدات خود در این پروتکل نموده است، مورد کنکاش قرار می‌گیرد. از سوی دیگر نگاهی منتقدانه به مواد تصویبی مقنن در نظام حقوق داخلی خواهیم داشت.

## ۲. الزامات تقنینی عمومی دولت‌ها در پرتو پروتکل کارتاهینا

الزامات عمومی قانون‌گذاری به آن دسته از الزاماتی اطلاق شده است که هر عضو با الحاق به پروتکل کارتاهینا ناگزیر از تصویب مقرراتی در این خصوص است. این نوع تقنین، فوری است و عضو نمی‌تواند با این استدلال که در شرایط حاضر قصد توسعه، جابه‌جایی (انتقال یا صادرات)، حمل‌ونقل، کاربرد و رهاسازی موجود زنده تغییر شکل یافته را ندارد، از تصویب مقررات امتناع کند یا آن را به تأخیر اندازد. در این بخش، مواردی که حسب پروتکل همه اعضا موظف به تقنین فوری هستند، تبیین گردیده است:

### ۲-۱. اقدامات لازم برای اجرای تعهدات

در بند یک ماده دو پروتکل، تحت عنوان مقررات عمومی بیان شده است: هر عضو باید اقدامات حقوقی، اداری و دیگر معیارهای لازم و مناسب برای اجرای تعهدات خود بر مبنای پروتکل اتخاذ نماید. بند یک مقرره‌ای بسیار کلی است و با به رسمیت شناختن حق تقنین دولت‌ها در حقوق داخلی، اتخاذ هرگونه اقدام را در اختیار دولت‌های عضو، به صلاح دید آن‌ها در جهت اجرای تعهدات مندرج در پروتکل گذاشته است. بند یک، بدون ایجاد محدودیت و بدون دخالت در نحوه و شیوه قانون‌گذاری کشورها، اختیار تام به کشورهای عضو پروتکل اعطا نموده است. از این حیث این بند می‌تواند به عنوان یکی از نقاط برجسته پروتکل کارتاهینا مطرح گردد. کلیت دیگر مقرره مربوط به نوع اقدام می‌باشد؛ تصریح شده است: اقدام حقوقی، اداری و دیگر معیارهای مناسب و لازم. از این حیث دولت‌ها در اجرای تعهدات پروتکل، مجاز به هرگونه اقدام حقوقی یا اداری در حقوق داخلی خود خواهند بود. در حقوق داخلی ایران و در جهت اجرای تعهدات مندرج در پروتکل، قانون ایمنی زیستی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.<sup>۱</sup> بنابراین دولت ایران به خوبی ماده ۲ پروتکل را اجرا نموده است.

۱. قانون ایمنی زیستی جمهوری اسلامی ایران، در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ هفتم مردادماه یک‌هزار و سیصد و هشتاد و هشت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۸/۵/۲۱ به تأیید شورای نگهبان رسید.

## ۲-۲. اطمینان بخشی یا تضمین از سوی اعضا

بند دو ماده دو پروتکل بیان می‌دارد: اعضا باید اطمینان دهند که توسعه، جابه‌جایی، حمل‌ونقل، کاربرد و رهاسازی موجودات زنده تغییر شکل یافته، به گونه‌ای انجام می‌شود که با در نظر گرفتن مخاطرات آن برای سلامتی انسان از خطرات آن برای تنوع زیستی جلوگیری می‌کند یا آن‌ها را کاهش می‌دهد. اطمینان بخشی یا تضمین از سوی اعضای پروتکل مبنی بر این که رهاسازی، جابه‌جایی و ... موجودات زنده تغییر شکل یافته از خطرات آن بر تنوع زیستی جلوگیری می‌کند یا آن‌ها را کاهش می‌دهد، جز با تصویب مقررات داخلی امکان‌پذیر نیست. نکته حایز اهمیت در ترجمه مصوب مجلس شورای اسلامی آن که: فعل Ensure (مندرج در بند دو ماده دو پروتکل)، به معنای «تضمین کنند»، آمده است. به عبارت روشن‌تر، بند دو چنین ترجمه شده است: «اعضاء باید تضمین کنند که توسعه، جابه‌جایی، حمل‌ونقل، کاربرد و رهاسازی موجودات زنده تغییر شکل یافته به گونه‌ای انجام می‌شود که با در نظر گرفتن مخاطرات آن برای سلامت انسان، از خطرات آن برای تنوع زیستی جلوگیری می‌کند یا آن‌ها را کاهش می‌دهد». می‌دانیم تضمین این که رهاسازی و ... هیچ نوع خطری برای محیط زیست ندارد یا یک گام بالاتر، این که از خطرات جلوگیری می‌کند، تقریباً غیرممکن است. زیرا رهاسازی، انتقال و ... موجود زنده تغییر شکل یافته بر مبنای داده‌های علمی موجود و عدم گزاره‌های خلاف مبنی بر مضر بودن موجود زنده، انجام می‌شود. چه بسا در گذر زمان خطرات رهاسازی، انتقال و ... اثبات شود. بنابراین به نظر می‌رسد، واژه Ensure که در بند دو ماده دو به کار رفته است، نباید به معنای تضمین مصطلح فارسی ترجمه شود.

افزون بر این، ذیل مدخل Ensure می‌خوانیم: To Make Sure, Certain or Safe, Convince (Longman, 2006: 520, Oxford, 2066: 508, Webster, 2003: 416). حتی اگر یکی از معانی واژه مذکور، تضمین مصطلح فارسی باشد، به نظر می‌رسد مراد نویسندگان پروتکل، تضمین دولت‌ها در خصوص عدم مخاطرات ناشی از توسعه، جابه‌جایی و حمل‌ونقل موجودات زنده تغییر شکل یافته نبوده است؛ بلکه یک نوع اطمینان بخشی نسبی بر مبنای داده‌های علمی موجود در خصوص عدم مخاطرات فعلی توسعه، جابه‌جایی و حمل‌ونقل موجودات زنده تغییر شکل یافته بوده است. شایان ذکر است در برخی از مواد پروتکل که واژه Ensure به کار رفته است، در

1. The Parties Shall Ensure that the Development, Handling, Transport, Use, Transfer, and Release of any Living Modified Organisms are Undertaken in a Manner that Prevents or Reduces the Risks to Biological Diversity, Taking also into Account Risks to Human Health.

ترجمه مصوب مجلس شورای اسلامی، عبارت «تضمین کنند» آمده است<sup>۱</sup> و در مواردی واژه مزبور به «اطمینان دهند»، ترجمه شده است.<sup>۲</sup> از این حیث ضروری است در ترجمه چنین اسناد بین‌المللی، که جزء قوانین داخلی قلمداد می‌شوند و دارای بار حقوقی و اجرایی هستند، دقت بیشتری مبذول شود. نکته قابل ذکر دیگر در ترجمه بند ۲ ماده ۲ پروتکل این‌که: ترجمه واژه Transfer در متن مصوب مجلس شورای اسلامی مشاهده نمی‌شود.<sup>۳</sup>

در حقوق داخلی، مقررات بسیار سختگیرانه‌ای در این مورد به تصویب رسیده است. در ماده ۷ قانون ایمنی زیستی می‌خوانیم: کلیه اشخاص که قصد واردات، صادرات و یا حمل و نقل داخلی و فرامرزی موجودات زنده تغییرشکل یافته را دارند، موظفند اطلاعات مورد نیاز و مستندات علمی ارزیابی مخاطرات احتمالی را حسب مورد به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت جهاد کشاورزی و یا سازمان حفاظت محیط زیست کشور ارائه و مجوز لازم را دریافت نمایند. تدوین مستندات علمی ارزیابی احتمالی مخاطرات، این اطمینان‌بخشی نسبی را ایجاد خواهد کرد که از اثرات زیان‌بار موجود زنده تغییرشکل یافته، (حداقل در شرایط فعلی)، در امان خواهیم بود. بنابراین با وجود چنین مقرره‌ای، این اطمینان به اتاق تهاتر ایمنی زیستی داده شده است که بند ۲ ماده ۲ پروتکل به دقت اجرا شده است. نکته حایز اهمیتی در این ارتباط وجود دارد: مفاد پروتکل کارتاهینا ناظر بر نقل و انتقال‌های برون‌مرزی است. بنابراین مقررات داخلی کشورها نیز نهایتاً و در سقف تعهدات پروتکل، می‌تواند ناظر بر نقل و انتقال‌های برون‌مرزی باشد؛ در حالی که ماده ۷ قانون ایمنی زیستی دولت ایران، فراتر از سقف تعهدات پروتکل بیان نموده است: «کلیه اشخاصی که قصد واردات، صادرات و یا حمل و نقل داخلی و فرامرزی موجودات زنده تغییرشکل یافته را دارند». عبارت «داخلی»، مندرج در متن ماده ۷، تعهد و الزامی فراتر از تعهدات پروتکل است. نگارنده مخالفتی با تدوین مقررات داخلی و مستقل از پروتکل کارتاهینا در حوزه موجودات زنده تغییرشکل یافته ندارد، ولی ایراد ماده ۷ از آن‌جا ناشی می‌شود که اصل قانون ایمنی زیستی در پرتو پروتکل کارتاهینا تدوین و تصویب شده است؛ بنابراین تعهداتی که دولت ایران در این قانون (به ویژه در ماده ۷)، برای اشخاص در داخل قلمرو جمهوری اسلامی ایران شناخته است، فراتر از پروتکل کارتاهینا تلقی می‌شود.

۱. بند ۲ ماده ۸.

۲. بند ۲ ماده ۱۱ پروتکل، بند ۲ ماده ۱۵ پروتکل.

۳. به متن منتشره روزنامه رسمی کشور به شماره ۱۷۰۵۸ مورخ ۱۳۸۲/۶/۲۹ و هم‌چنین به پایگاه الکترونیکی حافظه قوانین مجلس شورای اسلامی مراجعه شد. واژه موضوع بحث یا اساساً ترجمه نشده یا این‌که در اثر سهل‌انگاری در امور تایپ از قلم افتاده است.

#### ۲-۳. اتخاذ راه‌کارها، اقدامات و استراتژی‌های مناسبی برای تنظیم، مدیریت و کنترل خطر

ماده ۱۶ پروتکل (به استثنای جز ۵ بند ب این ماده) از جمله موادی است که در نگاه اول به‌عنوان یک تکلیف اختصاصی قلمداد می‌گردد؛ ولی غور در مفاد این مقرر به خوبی نشان می‌دهد که ماده مزبور، یک تکلیف تقنینی عمومی برای اعضای پروتکل است. مطابق این ماده، اعضای پروتکل موظفند راه‌کارها، اقدامات و استراتژی‌های مناسبی برای تنظیم، مدیریت و کنترل خطر، در ارتباط با استفاده، جابه‌جایی و نقل و انتقال برون‌مرزی موجودات زنده تغییرشکل یافته وضع و اجرا نمایند. طبق بند ۴ ماده ۱۶ اعضا موظف شده‌اند تلاش نمایند هر موجود زنده تغییرشکل یافته، اعم از وارد شده یا در داخل پرورش داده شده، دوره نظارتی مناسبی که متناسب با چرخه زندگی یا زمان تکثیر آن باشد، بگذرانند. الزام دولت‌ها به این تکلیف نمی‌تواند ناظر بر اعضایی باشد که در ارتباط با یک موجود زنده تغییرشکل یافته در حال فعالیت هستند. این الزام یک تکلیف عمومی است که همه دولت‌های عضو مکلفند الزامات قانونی داخلی مبنی بر گذراندن دوره نظارتی بر موجود زنده را تصویب کرده باشند.

در قانون ایمنی زیستی، ماده مشخصی تحت عنوان کنترل خطر مشاهده نمی‌شود؛ ولی می‌توان مطرح نمود مسایل مربوط به کنترل خطر، در مستندات علمی ارزیابی مخاطرات بیان می‌شود (موضوع ماده ۷ قانون ایمنی زیستی). افزون بر این، در ماده ۹ قانون آمده است: «اشخاص حقیقی یا حقوقی، به‌هنگام تقدیم درخواست به دستگاه اجرایی ذیصلاح برای دریافت مجوزها، باید برای حفاظت از محیط زیست، تنوع زیستی، سلامت انسان، دام و گیاه یک طرح اضطراری مکتوب، شامل اقدامات فوریتی و سایر خدمات، برای مقابله با شرایط ایجاد شده از انتشار ناخواسته تهیه و به دستگاه اجرایی ذیصلاح ارائه نمایند». چنین طرحی از لحاظ ماهوی می‌تواند به‌عنوان یکی از راه‌کارهای کنترل خطر تلقی شود. بنابراین می‌توان ادعا نمود ماده ۹ قانون ایمنی زیستی در راستای ماده ۱۶ پروتکل تدوین گردیده است.

#### ۲-۴. فراهم آوردن شرایط ایمنی جهت جابه‌جایی، بسته‌بندی و حمل و نقل بین‌المللی

به موجب بند یک ماده ۱۸ پروتکل، اعضا موظفند شرایط ایمنی را جهت جابه‌جایی، بسته‌بندی و حمل و نقل بین‌المللی موجودات زنده تغییرشکل یافته فراهم نمایند. بند ۲ ماده ۱۸ پروتکل تلویحاً اشاره به برچسب‌گذاری موجودات زنده تغییرشکل یافته دارد. این بند مقرر نموده است هر عضو اقداماتی را اتخاذ می‌کند که اسناد و مدارک همراه موجود زنده

تغییر شکل یافته، مشتمل بر هویت، صفات و یا مشخصات آن و هر گونه الزامات جابه‌جایی، انبار کردن، نقل و انتقال و استفاده امن از آن باشد.

بند ب ماده ۷ قانون ایمنی زیستی مقرر داشته است اشخاص موظفند شرایط لازم از نظر بسته‌بندی و حمل و نقل و برچسب‌گذاری موجودات زنده تغییر شکل یافته ژنتیکی را رعایت نمایند. شرایط بسته‌بندی و برچسب‌گذاری و حمل و نقل داخلی و فرامرزی توسط شورای ملی ایمنی زیستی تهیه و پس از تأیید رییس جمهور ابلاغ می‌گردد. در این ماده نیز همان‌گونه که قبلاً توضیح داده شد، با استفاده از عبارت «داخلی و فرامرزی»، دامنه تعهدات دولت ایران، فراتر از پروتکل رفته است.

## ۲-۵. محرمانه بودن و حفاظت از اطلاعات

بخشی از قسمت سوم ماده ۲۱ پروتکل مقرر می‌دارد، هر عضو می‌بایستی اطمینان دهد که روش‌های حراست از اطلاعات محرمانه‌ای که به موجب مقررات پروتکل دریافت کرده است، دارا می‌باشد و محرمانه بودن چنین اطلاعاتی را حفظ می‌کند و رفتار عضو، نامساعدتر از رفتار با اطلاعات محرمانه در رابطه با موجودات زنده تغییر شکل یافته داخلی نباشد.

بند اخیر مقرر مزبور، متأثر از مناسبات سازمان جهانی تجارت و مقررات WTO می‌باشد. زیرا در سازمان جهانی تجارت، اصل رفتار دولت کامله‌الوداد، اعضای سازمان را از اعمال رفتار تبعیض آمیز میان اعضای دیگر در روابط تجاری منع می‌کند، به گونه‌ای که هر یک از اعضا باید با سایر اعضا هم‌چون بهترین دوستان خود رفتار کنند. بر اساس اصل رفتار ملی، که می‌توان گفت مکمل اصل رفتار دولت کامله‌الوداد است، کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت باید با محصولات وارداتی رفتاری اعمال کنند که نامطلوب‌تر از رفتار اعمال شده با کالاهای داخلی نباشد (بزرگی، ۱۳۸۶: ۴۹-۴۷ و ایروانی، ۱۳۸۳: ۱۱-۵). منع رفتار تبعیض آمیز در موافقت‌نامه تجارت کالا<sup>۱</sup>، موافقت‌نامه تجارت خدمات<sup>۲</sup> و موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری<sup>۳</sup> صریحاً بیان شده است.

ماده ۸ قانون ایمنی زیستی ایران به خوبی محرمانه بودن اطلاعات دریافتی ناشی از پروتکل را تضمین نموده است. حسب ماده مرقوم، به جز نام و آدرس متقاضی، توصیف کلی موجود زنده

۱. گات مواد ۱ و ۳.

۲. گاتس بند ۱ ماده ۲.

۳. تریپس ماده ۴.



تغییر شکل یافته، ارزیابی مخاطرات، روش‌های پایش و ارزیابی موجود زنده تغییر شکل یافته، هدف و محل ورود و چگونگی رهاسازی، بقیه اطلاعات مربوط به موجود زنده تغییر شکل یافته، محرمانه تلقی و مشمول قانون مالکیت معنوی<sup>۱</sup> گردیده است. تخلف از مفاده ماده، منجر به محکومیت مرتکب به جبران ضرر و زیان وارده بنا به رأی مرجع قضایی صلاحیت‌دار خواهد بود.

تدوین ماده به قدری شتاب‌زده انجام شده است که قانون حاکم بر تخلف از ماده ۸ در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. از یک سو در متن ماده، عنوان شده، اطلاعات محرمانه تلقی گردیده و مشمول قانون مالکیت معنوی است. بنابراین تضمینات مندرج در قانون ثبت اختراعات مصوب ۱۳۸۶ علی‌القاعده حاکمیت خواهد داشت؛ از سوی دیگر در فراز پایانی ماده بیان شده است که مرتکب بر اساس رأی مرجع قضایی به جبران ضرر و زیان وارده محکوم می‌شود. بر این اساس، آیا تضمین مندرج در فراز پایانی ماده ۸ حاکم بر موضوع است یا تضمین مندرج در قانون ثبت اختراعات؟ ابهام دیگر این که افشای سر، جرم موضوع ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی است.<sup>۲</sup> آیا افشای اسرار در مانحن‌فیه، صرفاً محکومیت مندرج در فراز پایانی ماده ۸ را به دنبال دارد یا این که مشمول عنوان مجرمانه ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی نیز خواهد شد.

## ۲-۶. الزام به مشورت با عموم مردم

حسب بند ۲ ماده ۲۳ پروتکل، اعضا بایستی مطابق قوانین و مقررات مربوط خود، در فرآیند تصمیم‌گیری در خصوص موجودات زنده تغییر شکل یافته با عموم مردم مشورت کنند و نتایج چنین تصمیماتی را در اختیار عموم بگذارند.

حوزه فناوری زیستی یک حوزه بسیار تخصصی است و مشخص نیست منظور از این که اعضا باید در فرآیند تصمیم‌گیری در خصوص موجود زنده تغییر شکل یافته با عموم مردم مشورت کنند و نتایج چنین تصمیماتی را در اختیار عموم بگذارند چیست؟ برای نمونه، اتخاذ

۱. در حقوق داخلی ایران، قانونی تحت عنوان «قانون مالکیت معنوی» به تصویب نرسیده است، قطعاً باید نظر مقنن را در این خصوص، ناظر به قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶/۸/۷ دانست. چنین اشتباهاتی در تدوین قانون، ناشی از بی‌توجهی مقنن به قوانین مصوب قبلی و شتاب‌زدگی در تدوین قانون فعلی است.

۲. ماده ۶۴۸ مقرر می‌دارد: اطبا و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند.

تصمیم در خصوص واردات یا صادرات یک موجود زنده تغییر شکل یافته، موضوعی نیست که بتوان در معرض آراء عموم گذاشت. موضوع می‌بایست به صورت علمی و دقیق مورد بررسی قرار گیرد و بر اساس شواهد و مدارک علمی تصمیم گرفت. شاید از یک زاویه بتوان منظور پروتکل را این گونه بیان نمود که حق شهروندان خواهد بود که در کشور محل سکونت خود، از وجود محصولات تغییر شکل یافته ژنتیکی (اعم از تولید داخل یا ورود این گونه محصولات به کشور خود) آگاهی یابند و چنان سازوکاری طراحی شده باشد که نظرات مشورتی عموم مردم اخذ و با تکیه بر نظرات شهروندان تصمیم‌گیری شود. با این حال، در ماده ۳ قانون ایمنی زیستی، در ترکیب شورای ملی ایمنی زیستی آمده است یکی از اعضای شورا، یک نفر از اعضا انجمن‌های علمی تخصصی فناوری زیستی جدید (تشکل‌های مردم‌نهاد) خواهد بود. ایرادی که می‌توان مطرح نمود این که معمولاً اعضای چنین انجمن‌هایی عموم مردم نیستند، بلکه متخصصین حوزه مربوط هستند، بنابراین به نظر نمی‌رسد ترکیب ماده ۳ قانون ایمنی زیستی در مقام اجرای بند ۲ ماده ۲۳ پروتکل باشد.

## ۲-۷. اتخاذ اقدامات مناسب جهت جلوگیری و مجازات اقدامات خلاف پروتکل

بند یک ماده ۲۵ بیان می‌دارد: «هر عضو باید اقدامات داخلی مناسبی را با هدف جلوگیری و در صورت اقتضاء، تعیین مجازات برای نقل و انتقال برون مرزی موجودات زنده تغییر شکل یافته که بر خلاف اقدامات داخلی جهت اجرای پروتکل صورت گرفته است، اتخاذ کند.» نقل و انتقال مزبور، نقل و انتقالات برون مرزی غیرقانونی تلقی می‌شوند.

مطابق با ماده ۶ قانون ایمنی زیستی در مرتبه اول تخلف، ضمن تعلیق موقت مجوزهای صادره، چنان چه تخلف (با تأیید مرجع قضایی)، موجبات تضییع حقوق اشخاص را فراهم نموده و یا خساراتی به سایر اشخاص یا زیست بوم وارد نموده باشد، متخلف به جبران خسارات وارده محکوم می‌شود و در صورت تکرار برای بار دوم، علاوه بر جبران خسارات، به پرداخت دو برابر خسارات وارده به صورت جزای نقدی محکوم و کلیه مجوزهای صادره قبلی باطل و از فعالیت‌های اجرایی متخلف ممانعت به عمل خواهد آمد. شتاب‌زدگی مقنن در سوق چنین پرونده‌هایی به نظام قضایی مشهود است. به نظر می‌رسد با توجه به ماهیت تخلفات و مرتکبین تخلف که عموم جامعه نیستند، بلکه متخصصین حوزه زیست فناوری هستند، بهتر بود رسیدگی به تخلفات به صورت تخصصی در دستگاه‌های اداری ذیربط با هیأت‌هایی که در این زمینه تشکیل می‌شود، رسیدگی شود. چنین

رسیدگی هم سریع‌تر بود و هم برخورد با مسئله به صورت تخصصی‌تر انجام می‌گرفت، هزینه‌های دستگاه قضا نیز کاهش می‌یافت. نکته جالب توجه این که تکرار تخلف در مرتبه دوم صبغه کیفری به خود گرفته و مرتکب به عنوان جزای نقدی به دو برابر خسارات وارده محکوم می‌گردد. با توجه به این که هنوز در شرایط فعلی، تعداد متخلفین، میزان ارتکاب تخلف در سطح جامعه، نوع تخلفات ارتكابی و ... روشن نیست و هیچ‌گونه آمار و شواهد علمی و کارشناسی در خصوص موضوع موجود نیست، چنین مقرره‌ای بدون هیچ مبنای مطالعاتی و جامعه‌شناختی و صرفاً بر اساس علایق و سلیقه شخصی تدوین یافته است. جرم‌انگاری، آخرین حربه‌ای است که جامعه در دفاع از خود در قبال مجرمین و بر اساس آمار دقیق، نوع جرایم ارتكابی و سایر عوامل دخیل در موضوع، اتخاذ می‌کند. تخلف مندرج در ماده ۶ (با فرض ارتكاب در مرتبه اول) و جرم مندرج در این ماده (با فرض ارتكاب در مرتبه دوم)، به عنوان یک تخلف و جرم مقید بیان شده است. بدین معنا که مطلق تخلف یا جرم حسب این قانون قابل تصور نیست. تخلف یا جرم زمانی محکومیت در پی خواهد داشت که موجبات تضییع حقوق سایر اشخاص را فراهم نموده و یا خساراتی به سایر اشخاص و یا زیست‌بوم وارد نموده باشد. بنابراین کلیه تخلفات و جرایمی که برخلاف دستورات آمره این قانون صورت می‌گیرد، تا زمانی که منجر به ورود خسارتی نشده باشد، منجر به براءت مرتکب است. برای نمونه فردی که بدون اخذ مجوزهای موضوع ماده ۷ قانون مبادرت به فعالیت در حوزه واردات، صادرات و یا حمل و نقل داخلی یا فرامرزی موجود زنده تغییر شکل یافته می‌کند، در صورت عدم ورود ضرر به غیر، منعی در خصوص فعالیت‌های او وجود ندارد. این استدلال که اخذ مجوز حسب ماده ۷ الزامی است و بنابراین در صورت عدم اخذ مجوز (صرف نظر از ورود خسارت یا عدم ورود خسارت)، تخلف صورت گرفته است، پذیرفته نیست. زیرا قانون متضمن ممنوعیت، که فاقد ضمانت اجرا باشد، چنین قانونی به قوانین تکمیلی نزدیک‌تر است تا قوانین آمره. در شرایط فعلی که با یک خلاء قانونی مواجهیم، باید به انتظار رویه قضایی نشست و دید که محاکم در عمل چگونه با موضوع برخورد خواهند نمود. در هر حال، ضروری بود مقنن با دقت بیشتری نسبت به تدوین مقررات مربوط به جرم‌انگاری و محسوب نمودن یک رفتار به عنوان جرم یا تخلف، اقدام می‌نمود.

### ۳. الزامات اختصاصی تقنینی دولت‌ها در پروتکل کارتاها

الزامات اختصاصی تقنینی، مختص به اعضای شده است که قصد توسعه، جابه‌جایی (انتقال یا صادرات)، حمل و نقل، کاربرد و رهاسازی موجود زنده تغییر شکل یافته را دارند. بنابراین چنین

الزاماتی شامل همه اعضا پروتکل نخواهد شد. البته این امر مانع از آن نخواهد بود که دولتی بدون این که قصد توسعه، جابه‌جایی و ... موجودات زنده تغییر شکل یافته را داشته باشد، مبادرت به تصویب قوانین در حوزه توسعه، جابه‌جایی، حمل و نقل و ... موجود زنده تغییر شکل یافته نماید. کشور ایران از لحاظ الگوهای ژنتیکی و ذخایر ژنتیکی از کشورهای منحصر به فرد در دنیا محسوب می‌شود، تا آن جا که برخی عنوان نموده‌اند ارزش اقتصادی این ذخایر و الگوهای ژنتیکی به مراتب از ذخایر معدن و نفت بالاتر است. وجود ظرفیت عظیم ذخایر ژنتیکی، پتانسیل بالای توسعه، تغییر، کاربرد و رهاسازی موجودات زنده تغییر شکل یافته ژنتیکی را به همراه دارد. بدین ترتیب انتظار می‌رود حقوق داخلی در این عرصه بسیار قوی عمل نماید. اما آن چه که در عمل مشاهده می‌شود نظام حقوق داخلی در عرصه زیست فناوری جدید به‌ویژه موجودات تغییر شکل یافته ژنتیکی بسیار ضعیف می‌باشد. خلاءهای جدی قانون‌گذاری در این عرصه وجود دارد، آن چه هم که به تصویب مراجع ذیصلاح رسیده، آن قدر شتاب‌زده و بدون تعمق است که مشکلات جدی برای دولت و شهروندان ایجاد می‌کند.<sup>۱</sup> در ذیل الزامات اختصاصی قانون‌گذاری بیان شده است.

### ۳-۱. آگاه‌سازی مرجع صالح ملی جهت هرگونه نقل و انتقال برون‌مرزی

ماده ۸ پروتکل تکلیف اختصاصی جهت آن دسته از کشورهایی قرار داده است که اقدام به صدور موجودات زنده تغییر شکل یافته ژنتیکی می‌نمایند. در این مقرر عنوان شده است عضو صادرکننده می‌بایست قبل از هرگونه نقل و انتقال برون‌مرزی موجود زنده تغییر شکل یافته، مرجع ملی صالح عضو واردکننده را آگاه سازد یا نسبت به ارسال اعلامیه کتبی اطمینان حاصل کند. اعلامیه مورد نظر پروتکل، اعلامیه‌ای بسیار دقیق مشتمل بر کلیه مشخصات موجود زنده تغییر شکل یافته ژنتیکی است. (اعم از نام موجود، تغییرات ژنتیکی موجود و ...) به دلیل اهمیت این اعلامیه، برخی از مفاد آن درج می‌گردد: اسم، آدرس و جزئیات تماس با صادرکننده، اسم، آدرس و جزئیات تماس با واردکننده، اسم و هویت موجود زنده تغییر شکل یافته، طبقه‌بندی

۱. در حال حاضر تنها قانونی که متولی صدور مجوزهای فعالیت در حوزه زیست فناوری جدید را مطرح ساخته است، قانون ایمنی زیستی است. حسب ماده ۴ قانون مزبور، صدور، تمدید و لغو مجوز فعالیت در امور مرتبط با فناوری زیستی جدید در حوزه ایمنی و سلامت مواد غذایی، آرایشی، بهداشتی و مواد پزشکی وزارت بهداشت، در حوزه تولیدات بخش کشاورزی و منابع طبیعی وزارت جهاد و در حوزه حیات وحش سازمان حفاظت محیط زیست می‌باشد. نهاد هماهنگ‌کننده این دستگاه‌ها، حسب ماده ۳ قانون، شورای ملی ایمنی زیستی معرفی شده است.

محلّی سطح ایمنی زیستی موجود زنده تغییر شکل یافته در کشور صادرکننده، تاریخ یا تاریخ‌های انتقال عمدی فرامرزی، وضعیت طبقه‌بندی، اسم عمومی، محل گردآوری یا به دست آوردن، ویژگی‌های موجود زنده تغییر شکل یافته گیرنده یا موجود زنده تغییر شکل یافته والدینی مرتبط با ایمنی زیستی، شرحی از اسید نوکلئیک یا تغییر ایجاد شده، روش استفاده شده و ویژگی‌های حاصل از موجود زنده تغییر شکل یافته، مقدار یا حجم موجود زنده تغییر شکل یافته که باید منتقل شود، گزارشی از ارزیابی خطر قبلی و موجود منطبق با ضمیمه ۳ پروتکل، روش‌های پیشنهادی برای ایمن بودن کاربرد، ذخیره، انتقال و استفاده و در صورت امکان شامل بسته‌بندی، برچسب زدن، ارائه مدارک، روش‌های دور ریختن و پیشامدهای احتمالی، وضعیت نظارتی موجود زنده تغییر شکل یافته در کشور صادرکننده (برای نمونه، آیا در کشور صادرکننده ممنوع است- با ذکر دلایل ممنوعیت- یا محدودیت‌های دیگری وجود دارد، آیا برای رهاسازی عمومی تأیید شده است یا ممنوع است با ذکر دلایل ممنوعیت) و نهایتاً مطابق با بند اخیر ضمیمه اول پروتکل بیانیه‌ای مبنی بر این که اطلاعات فوق‌الذکر حقیقتاً صحیح می‌باشد.

با چنین اطلاعیه‌ای، کشور واردکننده به خوبی و با اشراف بر جوانب مختلف موجود زنده تغییر شکل یافته، امکان اتخاذ یک تصمیم درست و در جهت منافع ملی، در خصوص واردات یا عدم واردات موجود زنده تغییر شکل یافته را خواهد داشت. شاید چنین تعهدات سنگینی در پروتکل، کشورهایی نظیر کانادا را بر آن داشته که تا زمان نگارش این سطور به پروتکل ملحق نشوند، علی‌رغم این که پروتکل در مونترال کانادا به تصویب رسید.

در بند دو ماده ۸ پروتکل آمده است عضو صادرکننده باید تضمین کند الزام قانونی برای صحت اطلاعات فراهم شده (اطلاعاتی که در اعلامیه درج و به کشور واردکننده ارسال می‌کند) وجود دارد. منطوق خشک ماده بیان می‌دارد حداقل مقرره‌ای داخلی باید شخص صادرکننده را ملزم به ارائه اطلاعات صحیح در این خصوص نماید. به نظر می‌رسد در حقوق داخلی ایران با تمسک به عموماً مواد قانون مدنی و اصول حقوقی بی‌نیاز از تصویب چنین مقرره‌ای خواهیم بود. ماده ۴۳۸ قانون مدنی تصریح نموده است تدلیس عبارت است از عملیاتی که موجب فریب طرف معامله شود. بنابراین در صورتی که طرف ایرانی، عضو صادرکننده موجود زنده تغییر شکل یافته ژنتیکی باشد بنا به ماده ۴۳۸ مزبور قادر به ارائه اطلاعات نادرست به طرف مقابل نیست. زیرا هرگونه نادرستی در ارائه اطلاعات به طرف مقابل مشمول تدلیس

خواهد بود. افزون بر این بر اساس قاعده کلی لاضرر و لاضرار فی الاسلام (الکلینی، ۱۳۸۸: ۲۹۲ و صدوق، ۱۳۶۷: ۹۶ و حر عاملی، ۱۳۶۷: ۴۲۹) طرف ایرانی نمی‌تواند با ارائه اطلاعات ناصحیح موجبات ضرر طرف مقابل را فراهم نماید. به نظر می‌رسد آن چه که مقنن را بر آن داشته تا این قسمت از پروتکل را در قانون ایمنی زیستی لحاظ نکند، عموم مقررات و اصول حقوقی بوده که از قبل در نظام حقوق داخلی وجود داشته است. بدین ترتیب خود را بی‌نیاز از تصویب مجدد قانون در این زمینه دیده است. نکته مهمی که در قانون ایمنی زیستی اشاره نشده است آن که اگر متقاضی مجوز صادرات موجود زنده تغییر شکل یافته ژنتیکی، اطلاعات صحیحی به دستگاه ذی‌ربط (حسب مورد وزارت بهداشت، جهاد یا سازمان حفاظت محیط زیست) ارائه نکند، ضمانت اجرایی عدم ارائه اطلاعات صحیح چیست؟ به نظر می‌رسد با توجه به این که جهت دریافت مجوز، متقاضی لاجرم باید کلیه اطلاعات و مستندات لازم در خصوص موجود زنده تغییر شکل یافته ژنتیکی را ارائه نماید و صرفاً پس از بررسی مستندات واصله، مجوزهای مربوط صادر می‌شود، در عمل ارائه اطلاعات ناصحیح اتفاق نخواهد افتاد. زیرا اطلاعات مورد نیاز کاملاً فنی و تخصصی بوده و اگر اطلاعات نادرست باشد، در هنگام بررسی مستندات روشن می‌شود و به دلیل عدم ارائه اطلاعات صحیح، عملاً مجوزی صادر نمی‌شود؛ بدین ترتیب، مکانیسم طراحی شده عملاً متقاضی را به سمت ارسال اطلاعات صحیح سوق خواهد داد و درست به همین دلیل این موضوع در قانون ذکر نشده است.

### ۳-۲. اطمینان از الزام قانونی برای دقت و صحت اطلاعات تهیه شده از سوی متقاضی

حسب ماده ۱۱ پروتکل در صورتی که عضوی تصمیم به استفاده از یک موجود زنده تغییر شکل یافته ژنتیکی در بازار داخلی کند و بیم این مسئله وجود داشته باشد که این موجود زنده، ممکن است مورد نقل و انتقال برون مرزی قرار گرفته و از آن به صورت مستقیم به‌عنوان غذا یا علوفه یا پردازش استفاده شود، چنین عضوی باید اطلاعات مربوط به موجود زنده را از طریق اتاق تهاتر ایمنی زیستی به اطلاع اعضا برساند، این عضو باید این اطمینان خاطر را برای اعضا ایجاد کند که الزام قانونی برای ارائه اطلاعات صحیح وجود داشته است. این که چرا پروتکل همواره تأکید بر این نوع الزامات قانونی دارد از این مسئله نشأت می‌گیرد که مصرف کننده خارجی اطلاعاتی از مخاطرات احتمالی موجود زنده تغییر شکل یافته ژنتیکی ندارد. ضمن این که اطلاعاتی از سازوکارهای صدور مجوز جهت مصرف یک موجود زنده تغییر شکل یافته

ژنتیکی نیز ندارد<sup>۱</sup> بدین ترتیب کشور مبدأ ممکن است بر روی موجود زنده تغییر شکل یافته ژنتیکی عنوان Safe را درج نموده باشد. پروتکل تأکید می‌کند مقررات داخلی کشور مبدأ باید الزام قانونی برای تولیدکننده جهت ارائه اطلاعات صحیح راجع به موجود داشته باشد.

### ۳-۳. اتخاذ اقدامات و استراتژی‌های مناسب جهت تنظیم، مدیریت و کنترل خطرها

مطابق با بند ۱ ماده ۱۶ پروتکل اعضا موظفند راه کارها، اقدامات و استراتژی‌های مناسبی برای تنظیم، مدیریت و کنترل خطرهای مشخص شده در مقررات ارزیابی خطر وضع و اجرا نمایند. حدود و ثغور این اقدامات در بند ۲ ماده ۱۶ بیان شده است: انجام اقدامات باید تا حدی که برای جلوگیری از اثرات زیان‌آور موجود زنده تغییر شکل یافته، ضروری است صورت گیرد و حسب بند ۳ ماده ۱۶ اعضا موظفند اقدامات مناسب به منظور جلوگیری از نقل و انتقال برون مرزی غیر عمدی موجودات زنده تغییر شکل یافته انجام دهند.

مطابق بند ۵ ماده ۱۶ پروتکل، اعضا موظفند موجودات زنده تغییر شکل یافته یا صفات خاص آن‌ها را که ممکن است اثرات زیان‌بار بر حفظ و استفاده پایدار از تنوع زیستی داشته باشد را شناسایی نمایند، متعاقباً به موجب همین بند مکلف شده‌اند اقدامات مناسب در خصوص رفتار یا صفات خاص چنین موجوداتی اتخاذ نمایند.

الزام اعضا به چنین اقداماتی مستلزم تصویب قوانین روشن داخلی برای اعضاست. ارزیابی خطر مشتمل بر هدف، اصول، روش شناسی و مراحل ارزیابی خطر در پیوست شماره ۳ پروتکل بیان شده است.

در حقوق داخلی، در بند الف ماده ۷ قانون ایمنی زیستی بیان شده است: «اشخاصی که قصد واردات، صادرات و یا حمل و نقل داخلی و فرامرزی موجودات زنده تغییر شکل یافته ژنتیکی را دارند موظفند اطلاعات مورد نیاز و مستندات علمی ارزیابی مخاطرات احتمالی را بر اساس مفاد پروتکل کارتاهینا به دستگاه‌های اجرایی ذیربط (حسب مورد وزارت جهاد کشاورزی، بهداشت یا سازمان حفاظت محیط زیست) ارائه و مجوز لازم را دریافت نمایند.» الزام به تدوین مستندات ارزیابی مخاطرات، تکلیف و تعهدی بسیار سنگین برای اشخاصی است که قصد واردات، صادرات و ... دارند. در حال حاضر مقنن ایرانی نحوه ارزیابی مخاطرات را به دو بخش تقسیم نموده است: الف- ارزیابی مخاطرات مربوط به سلامت انسان، ب- ارزیابی مخاطرات مربوط به

۱. منظور از این نوع سازوکارها، سازوکارهای کشور مبدأ تولید موجود زنده تغییر شکل یافته ژنتیکی است.

سلامت زیست محیطی. در بخش الف و مطابق با ماده ۳۰ آیین نامه اجرایی قانون ایمنی زیستی، عنوان شده است جهت ارزیابی مخاطرات احتمالی برای سلامت انسان، رعایت آخرین دستورالعمل‌های کدکس در رابطه با ایمنی مواد غذایی حاصل از زیست فناوری مدرن الزامی است. در بخش ب و در ماده ۳۱ آیین نامه، دستورالعمل نحوه ارزیابی مخاطرات احتمالی زیست محیطی بر عهده سازمان حفاظت محیط زیست گذاشته شده است که تاکنون چنین دستورالعملی تهیه و ابلاغ نشده است. می دانیم در صدور مجوز برای استفاده یا واردات یا صادرات یک موجود زنده تغییر شکل یافته ژنتیکی، مهم ترین سندی که باید ضمیمه موجود زنده تغییر شکل یافته ژنتیکی شود، ایمن بودن یا ارزیابی مخاطرات احتمالی آن می باشد. قانون ایمنی زیستی به کلیاتی در این خصوص بسنده نموده است مثلاً در ماده ۸ متقاضی فعالیت در حوزه زیست فناوری جدید را مکلف نموده است که خلاصه‌ای از ارزیابی مخاطرات احتمالی را تدوین کند. اما این که ارزیابی مخاطرات احتمالی باید واجد چه مختصات فنی باشد، در قانون بحثی به میان نیامده است. در ماده ۹ هم ذکر شده است که متقاضی باید یک طرح اضطراری مکتوب مشتمل بر اقدامات فوری و اقدامات لازم برای مقابله با شرایط ناخواسته ناشی از به کارگیری موجود زنده تغییر شکل یافته ژنتیکی ارائه نماید. تکالیف مزبور، تکالیفی کلی و مبهم هستند و عملاً همه اختیارات به متقاضی فعالیت واگذار شده است. در حالی که انتظار می رود در بحث مهمی نظیر صدور مجوز فعالیت در حوزه زیست فناوری مدرن، چارچوب گزارش‌های متقاضی، مختصات گزارش‌ها و حداقل‌های گزارش‌ها باید به صورت دقیق و موشکافانه تبیین گردند.

#### ۴. نتیجه

پروتکل کارتاهینا در سال ۲۰۰۰ میلادی در مونترال کانادا به تصویب رسید و تعهدات و الزامات (اعم از عمومی و یا اختصاصی) برای دولت‌های عضو ایجاد نمود. به نظر می رسد دولت جمهوری اسلامی ایران در اقدامی شتاب زده و بدون بررسی منافع و مضار الحاق به پروتکل، سریعاً به پروتکل ملحق شد. از نکات مهم و برجسته پروتکل کارتاهینا به رسمیت شناختن حق تقنین دولت‌ها در حقوق داخلی، اتخاذ هر نوع اقدام حقوقی و اداری در نظام داخلی در خصوص موجودات زنده تغییر شکل یافته ژنتیکی بدون هیچ گونه محدودیتی است. این موضوع به ویژه برای دولت ایران که از ذخایر ژنتیکی بسیار قوی برخوردار است و جزء کشورهای برتر



دنیا در این زمینه محسوب می‌شود، بسیار حائز اهمیت است. حضور ذخایر ژنتیکی قوی، ایجاد پتانسیل بالا برای دست‌ورزی ژنتیکی موجودات زنده را به همراه دارد. چنین ذخایر قوی و پتانسیل بالا، یک نظام حقوقی منسجم، کارآمد و منطبق و همسو با مقررات بین‌المللی را می‌طلبد. پروتکل کارتاهاینا این فرصت را برای کشورها فراهم نمود که هرگونه و طبق صلاح‌دید خود به تقنین بپردازند. ممکن است اشکال کنید پروتکل با این وصف، چگونه دارای مضار شد یا اساساً پروتکل چگونه منافع ملی ایران را تهدید نموده است. پاسخ آن که نظام حقوق داخلی در حوزه زیست‌فناوری مدرن که یک علم نوپا در ایران محسوب می‌شود بسیار ضعیف می‌باشد. متعاقب الحاق به پروتکل، دولت عضو مکلف به تنظیم و تهیه مقررات داخلی و ارسال آن به اتاق تهاتر ایمنی زیستی است. دولت ایران که سابقه قانون‌گذاری ضعیفی در این حوزه داشت، شتاب‌زده قانون ایمنی زیستی را در جهت اجرای مفاد پروتکل به تصویب رساند. آن‌چه که تأیید می‌کند متولیان امر هم بر ضعف قانون ایمنی زیستی واقف شده‌اند آن‌که، تا زمان نگارش مقاله حاضر، قانون ایمنی زیستی به اتاق تهاتر ایمنی زیستی ارسال نشده است. بی‌تردید اگر مقنن، به اتقان و انسجام و کارآمدی قانون ایمنی زیستی اعتقاد داشت، ابایی از ارسال آن به اتاق تهاتر ایمنی زیستی نداشت.

متعاقب الحاق به پروتکل، انتظار می‌رفت اگر دولت در صدد ایفای تعهدات و الزامات مندرج در پروتکل بود، می‌بایست به الزامات و تعهدات حداقلی و مندرج در پروتکل اکتفا می‌نمود؛ در حالی که دولت، در قانون ملی ایمنی زیستی که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، فراتر از پروتکل حرکت نمود و تعهداتی برای شهروندان خود قائل شد، که اساساً پروتکل تعرضی به چنین تعهداتی نداشته است. شایسته بود مقنن در قانونی که در اجرای تعهدات پروتکل تدوین می‌نمود، به رعایت حداقل‌ها اکتفا می‌نمود؛ ولی در قوانین بعدی که در پی نظام‌مندسازی و منسجم ساختن زیست‌فناوری مدرن بود، طبق شرایط بومی و محلی خود نسبت به ایجاد تعهد برای شهروندان اقدام می‌نمود.

از سوی دیگر، در جرم‌انگاری و تدوین تخلفات نیز دقت کافی نداشته است. مقنن چنان شتاب‌زده دست به جرم‌انگاری رفتارهایی زد که اساساً این نوع رفتارها هنوز در جامعه توسط جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان مورد واکاوی قرار نگرفته است. جرم‌انگاری یک رفتار، آخرین حربه قانون‌گذار برای مقابله و منهدم ساختن رفتار در جامعه است. قانون ایمنی زیستی که برای اولین بار متولیان صدور مجوز و تدوین مستندات ارزیابی مخاطرات را مورد توجه قرار داده

است، بدون بررسی‌های جامعه‌شناختی و رفتاری، به جرم‌انگاری در حوزه زیست فناوری مدرن پرداخته است. شایسته بود سطح برخورد با رفتارهای مخالف قانون، در حد تخلف شناخته می‌شد و رسیدگی به این نوع تخلفات که کاملاً فنی و تخصصی است، به هیأت‌های رسیدگی دستگاهی ارجاع می‌شد. رسیدگی به تخلفات و جرایم قانون ایمنی زیستی به دستگاه قضا سپرده شده است، دستگاهی که تخصصی در این علم نوپا ندارد.

## منابع

### الف- منابع فارسی و عربی

#### کتب

- الکلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۸)، الکافی، جلد ۵، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ایروانی، محمدجواد، (۱۳۸۳)، تجارت در آینده درآمدی بر سازمان تجارت جهانی، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- بزرگی، وحید، (۱۳۸۶)، درآمدی بر سازمان تجارت جهانی و الحاق ایران، تهران، قومس.
- حرعاملی، شیخ محمد بن حسن، (۱۳۶۷)، وسایل الشیعه، جلد ۲۵، چاپ اول، قم، موسسه آل‌البیت.
- صدوق، شیخ محمد بن علی بن بابویه، (۱۳۶۷)، من لایحضره الفقیه، ترجمه علی اکبر غفاری، جلد ۴، تهران، نشر صدوق.

#### مقالات

- داراب‌پور، مهرباب، (۱۳۸۹)، «مسئولیت مدنی بین‌المللی دولت‌ها در پروتکل ایمنی زیستی کارتاهاینا»، پژوهشنامه حقوقی، سال اول، شماره اول.
- راسخ، محمد، خداپرست، امیرحسین، (۱۳۸۹)، «قلمرو اخلاق زیستی»، فصلنامه باروری و ناباروری، شماره ۴، صفحات ۲۹۴-۲۷۵.
- زرگوش، مشتاق، (۱۳۸۸)، «مسئولیت مدنی دولت از مصونیت تا مسئولیت»، نشریه حقوق اساسی، شماره ۱۲.
- سماواتی پیروز، امیر، (۱۳۸۹)، «نقد و بررسی قانون ایمنی زیستی با تأکید بر رهیافت‌های حقوق کیفری»، فصلنامه حقوق پزشکی، سال چهارم، شماره ۱۲.
- شکیب، علی محمد، (۱۳۸۰)، «ایمنی زیستی و ارزیابی خطر»، کرج، دومین همایش ملی بیوتکنولوژی.
- مبین، حجت، (۱۳۸۶)، «تحولات مبانی مسئولیت مدنی و ارتباط آن با اندیشه‌های حقوق کیفری»، فصلنامه حقوقی گواه، شماره ۱۰.
- مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی، (۱۳۸۷)، «اظهارنظر کارشناسی درباره لایحه قانون ملی ایمنی زیستی جمهوری اسلامی ایران»، دوره هشتم، سال اول، شماره چاپ ۲۳۶.

### پایان نامه و رساله

- رهبرپور، محمدرضا، (۱۳۹۰)، «حمایت کیفی از اخلاق زیستی و مبانی آن»، رساله دکتری، پردیس قم، دانشگاه تهران.
- شایسته، رضا، (۱۳۸۵)، «بررسی جنبه‌های حقوقی پروتکل کارتاهینا و بررسی امکان - اجرای مقررات آن در ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، دانشکده محیط زیست.

### ب. منابع انگلیسی

- (2000), 'Cartagena Protocol on Biosafety to the Convention on Biological Diversity' (Published by the Secretariat of the Convention on Biological Diversity, Montreal, Quebec, Canada).
- Convention on Biological Diversity, United Nation 1992.
- Also: <http://www.cbd.int/convention/text/>.
- Date of Reference: 2014/12/07
- Title: Convention on Biological Diversity
- Longman Dictionary of Contemporary English, Pearson Education Limited, Fifth Impression, (2006).
- Nagoya - Kuala Lumpur Supplementary Protocol on Liability and Redress to the Cartagena Protocol on Biosafety, (Published by the Secretariat of the Convention on Biological Diversity, Montreal, Quebec, Canada, (2011), Also Website: [www.cbd.int](http://www.cbd.int) and [bch.cbd.int/protocol](http://bch.cbd.int/protocol)
- Date of Reference: 2014/12/07
- Title: Convention on Biological Diversity
- *Oxford Advanced Learner's Dictionary*, (2006), Oxford University Press, 7<sup>th</sup> Edition.
- Peter Newell, Ruth Mackenzie, (2000), the 2000 Cartagena Protocol on Biosafety: Legal and Political Dimensions; Global Environmental Change.
- Webster's Collegiate Dictionary, (2003), Eleventh Edition.